



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آئیننامهٔ دادرها و دادگاههای ویژهٔ روحانیت

جناب حجة الاسلام والمسلمين آقای محمدی ری شهری
دادستان محترم دادگاه ویژه روحانیت

با سلام و تحیت، قانون تشکیل دادرها و دادگاههای ویژه
روحانیت و حدود صلاحیت و آئین دادرسی آنها که تصویر آن جهت
اقدام ارسال می‌گردد، مورد موافقت مقام معظم رهبری قرار گرفت،
معظم له در ذیل قانون مزبور مقرر فرمودند:

پرتال جامع علوم انسانی
«بسمه تعالی»

با موارد مرقوم برای دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت موافقت
می‌شود. خداوند جنابعالی را مؤید و مسدد بدارد. ۱۴/۵/۶۹»*

دفتر مقام معظم رهبری - محمدی گلپایگانی

* حسب اظهار ریاست محترم قوه قضائیه، مقام معظم رهبری تا اصلاح و تکمیل آییننامه مذکور
اجرای آن را متوقف فرموده‌اند.

آییننامه داسراها و دادگاههای ویژه روحانیت*

ماده ۱- بمنظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانیون متخلف، داسرا و دادگاه ویژه روحانیت تحت نظارت عالیه مقام معظم رهبری با وظایف و تشکیلات و اختیارات زیر ایجاد می‌گردد.

«وظایف»

ماده ۲- وظایف داسرا و دادگاه ویژه بشرح ذیل می باشد:
الف - اقدامات لازم جهت پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائم در محدوده مسائل قضائی
ب - ارشاد در امور خلاف شأن
ج - رسیدگی به جرائم روحانیون و پرونده‌هایی که به نحو مؤثری با اهداف این داسرا مرتبط است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال چاپ مع علوم انسانی
«تشکیلات»

الف - داسرا

ماده ۳- دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.

ماده ۴- مسئولیت، ریاست و نظارت همه داسراها به عهده دادستان منصوب خواهد بود.

* باید توضیح داد که عنوان متن مورد تصویب مقام معظم رهبری «قانون تشکیل داسراها و دادگاههای ویژه روحانیت» بوده و متن حاضر که در روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۸۰ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۵ درج گردیده است عنوان «آییننامه» دارد.

ماده ۵ - دادستانی مرکز (دادستان منصوب) دارای یک قائم مقام، معاون قضائی، معاون سیاسی، معاون اداری مالی، دفتر دادستانی و دفتر حفاظت و گزینش خواهد بود. شرح وظایف هر کدام توسط دادستان منصوب ابلاغ می‌گردد.

ماده ۶ - تشکیلات هر دادسرا عبارت است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و عملیات، مدیر اداری و مالی و به تعداد کافی دادیار و کادر اداری.

ماده ۷ - عزل و نصب دادستان‌ها و دادیاران دادسراهای ویژه شهرستان بعهدہ دادستان منصوب خواهد بود.

ماده ۸ - معاونین دادسراها به پیشنهاد دادستان همان دادسرا و ابلاغ دادستان منصوب تعیین خواهد شد.

ماده ۹ - دادسرای ویژه روحانیت در شهرها و با حوزه‌های قضائی مشروحه ذیل تشکیل می‌گردد:

۱ - تهران: استانهای تهران و سمنان و شهرستان قزوین

۲ - قم: استان مرکزی، شهرستانهای قم و کاشان

۳ - مشهد: استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان

۴ - اصفهان: استانهای اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری

۵ - شیراز: استانهای فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد

۶ - تبریز: استانهای آذربایجان شرقی و غربی و شهرستان زنجان

۷ - ساری: استانهای گیلان و مازندران

۸ - اهواز: استانهای خوزستان و لرستان

۹ - کرمان: استانهای کرمان و هرمزگان

۱۰ - همدان: استانهای باختران، کردستان، همدان و ایلام.

تبصره - تا زمانی که دادسرا در هر یک از مراکز فوق تشکیل

نگردیده، مرجع رسیدگی به پرونده‌های آن حوزه توسط دادستان منصوب، تعیین می‌گردد.

ب - دادگاه

- ماده ۱۰ - حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌گردد.
- ماده ۱۱ - سایر قضات دادگاه حسب مورد طبق نظر مقام معظم رهبری نصب می‌گردند.
- ماده ۱۲ - کارمندان دفتری دادگاه با هماهنگی حاکم شرع شعبه اول تعیین می‌گردند.

«صلاحیت‌ها»

- ماده ۱۳ - دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند.
- الف - کلیه جرائم عمومی روحانیون
- ب - کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون
- ج - کلیه اختلافات محلی منحل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
- د - کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.
- تبصره ۱ - در مواردی که دادرای ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضائی ذیربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند.
- تبصره ۲ - در مورد بند ج رسیدگی با هماهنگی دستگاههای ذیربط صورت می‌گیرد.
- ماده ۱۴ - دعاوی حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاههای مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر موارد خاصی که بر حسب ضرورت رسیدگی آن «به نظر دادستان منصوب» در دادگاه ویژه

اصح باشد. در اینصورت دادرها و دادگاهها موظفند که با درخواست دادر و دادگاه ویژه پرونده را ارسال نمایند.

ماده ۱۵ - سایر دادرها در اموری که نسبت به روحانیون از آنها سلب صلاحیت گردیده، حق ورود، تحقیق و تعقیب را ندارند، مگر با اجازه دادستان ویژه حوزه قضائی مربوطه.

ماده ۱۶ - روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.

ماده ۱۷ - تخلفات قضات و کارمندان دادر و دادگاه ویژه که در حین یا به سبب خدمت مرتکب شده‌اند، زیر نظر مستقیم دادستان منصوب و رئیس شعبه اول دادگاه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

آئین دادرسی

«جرم»

ماده ۱۸ - هر فعلی یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌گردد.

تبصره - اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می‌شود.

ماده ۱۹ - جرائم می‌تواند دارای سه حیثیت باشد:

۱ - حیثیت حق الهی: از جهتی که تجاوز به حدود و مقررات الهی است.

۲ - حیثیت عمومی: از جهتی که مخل نظم و امنیت عمومی و هتک حیثیت جامعه و روحانیت گردد.

۳ - حیثیت خصوصی: از جهتی که موجب ضرر مادی یا معنوی به

شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی شود.
ماده ۲۰ - تعقیب متهم از حیث حق الهی مطابق موازین شرعی و از حیث حق الناس منوط به شکایت شاکی خصوصی و از حیث حقوق عمومی به تشخیص دادستان است.
تبصره - گذشت شاکی خصوصی موجب توقف رسیدگی به جهات دیگر جرم نمی‌گردد.

«ضابطین»

ماده ۲۱ - ضابطین دادگستری برحسب وظیفه موظف به اجرای دستورات دادسرای ویژه می‌باشند.
ماده ۲۲ - نیروهای ضابط موظفند به محض اطلاع از اتهام یا وقوع بزه موضوع صلاحیت دادسرای ویژه، مراتب را به دادستان دادسرای ویژه گزارش و بدون کسب مجوز از هرگونه اقدامی خودداری نمایند.
ماده ۲۳ - در مورد جرائم مشهود، ضابطین موظفند فوراً اقدامات لازم را برای جلوگیری از محو آثار جرم یا فرار متهم بعمل آورند و در اسرع وقت موضوع را به دادستان دادسرای ویژه اطلاع دهند.
ماده ۲۴ - در حوزه‌هایی که دادسرای ویژه مستقر نیست، دستورات اولیه از طریق دادسرای انقلاب اسلامی محل با هماهنگی دادسرای ویژه صالح با توجه به ماده ۱۵ صادر خواهد شد.
ماده ۲۵ - دادسرا می‌تواند برای انجام تحقیقات و اجرای احکام دادسرا و دادگاه افرادی را رأساً استخدام نماید.

«وظایف و اختیارات دادستانهای شهرستانها»

ماده ۲۶ - دادستان شهرستان بعنوان جانشین دادستان منصوب، کلیه مسئولیتهای قضائی و اداری دادسرا از جمله موارد ذیل را بعهده دارد:

- الف - تعقیب متهمین
 ب - صدور احکام دستگیری و تفتیش
 ج - ارجاع پرونده به شعب دادرسی و نظارت بر جریان پیگیری و اظهارنظر در مورد کلیه قرارها.
 د - صدور کیفرخواست
 ه - اجرای احکام دادگاه
 و - صدور قرار تعلیق تعقیب در جرائم خفیف و یا امور خلاف شأن.

تبصره ۱ - دادستان شهرستان شهرستان موظف به اجرای دستورات قضائی و اداری صادره از جانب دادستان منصوب می باشد.

تبصره ۲ - در امور مهمه دادستان شهرستان موظف است قبل از اقدام به دستگیری یا احضار یا اجرای حکم دادگاه موضوع را به اطلاع دادستان منصوب برساند.

تبصره ۳ - اجرای وظایف بند «ب» و «و» فقط در اختیار دادستان و در غیاب وی جانشین او می باشد.

ماده ۲۷ - در غیاب دادستان دادرسی، یکی از دادیاران با انتخاب وی به عنوان جانشین وظایف دادستان را انجام خواهد داد.

ماده ۲۸ - دادستان ویژه و دادیاران می توانند برای کشف جرم تحقیقات لازم را انجام دهند و کلیه ارگانها و نهادها و سازمانهای دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند کلیه اسناد و مدارک مورد نیاز را در اختیار دادرسی قرار دهند. کسانی که همکاری لازم را بعمل نیاورند بعنوان عدم اجرای دستور مقام قضائی تحت تعقیب دادرسی ویژه قرار خواهند گرفت.

ماده ۲۹ - نظر به گستردگی حوزه های قضائی دادرسی ویژه، دادرسی های مزبور علاوه بر موارد اعطای نیابت به دادرسی های ویژه دیگر، در خصوص جرائم خارج از محل استقرار خود، می توانند به دادرسی های عمومی و انقلاب اسلامی همان حوزه نیز نیابت دهند و دادرسی های مزبور حسب

مورد موظف به انجام درخواستهای فوق می باشند.

ماده ۳۰ - احاله پرونده از حوزه ای به حوزه قضائی دیگر در اختیار دادستان منصوب خواهد بود.

ماده ۳۱ - اتهامات شرکاء، معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۲ - در مورد متهمین روحانی شاغل در کلیه ادارات و سازمانها و نهادهای مختلف مملکتی صرف اطلاع به مقام مافوق برای دستگیری و تعقیب کافی است. بجز قضات که لازم است قبلاً توسط دادسرای ویژه درخواست تعلیق شود و دادسرا و دادگاه انتظامی قضات ظرف مدت ۲۰ روز موظف به اظهار نظر می باشد در غیر اینصورت یا در موارد اضطراری «به تشخیص دادستان منصوب» اقدام قضائی خواهد شد و موضوع به اطلاع ریاست قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۳۳ - در جرائم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد، دادستان بلافاصله ادعاینامه کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می نماید.

ماده ۳۴ - قرارهای صادره پس از موافقت دادستان قطعی است و بلافاصله به متهم تفهیم خواهد شد.

ماده ۳۵ - در موارد ذیل قرار بازداشت صادر می گردد:

۱ - خوف فرار متهم

۲ - خوف تبانی یا امحاء آثار جرم

۳ - موارد مهمه از قبیل: جرائم ضد انقلابی، مواد مخدر،

کلاهبرداری، ارتشاء، قتل عمد و موارد مشابه.

۴ - مواردی که آزادی متهم موجب مفسده است. از قبیل هتک

حیثیت نظام و روحانیت.

ماده ۳۶ - قرارهای تأمین باید متناسب با نوع اتهام و دلایل توجه

اتهام و شخصیت متهم باشد.

ماده ۳۷ - متهمی که با وثیقه یا کفالت یا وجه التزام آزاد شده

باشد، چنانچه در وقت مقرر بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام به دستور دادستان ضبط می شود و به وثیقه گزار یا کفیل نیز اخطار می شود که ظرف مدت بیست روز متهم را تسلیم نماید، در صورت عدم تسلیم، وجه الکفاله یا مورد وثیقه به دستور دادستان ضبط خواهد شد.

تبصره - مفاد قرار و مقررات فوق باید به ملتزم - کفیل - و وثیقه گزار تفهیم و به امضای وی برسد.

ماده ۳۸ - دادرسی می تواند شهود و مطلعین را احضار نماید، در صورت استتکاف به دستور دادستان جلب خواهد شد.

«اختیارات و وظایف دادگاه»

ماده ۳۹ - دادگاه ویژه به جرائمی رسیدگی می کند که مطابق این قانون در صلاحیت دادرسی و دادگاه ویژه بوده و پرونده امر از طریق دادرسی به همراه کیفرخواست به دادگاه ارائه شده باشد.

تبصره - چنانچه دادگاه در خلال رسیدگی از جرائم جدیدی آگاه شود مجاز به رسیدگی و صدور حکم خواهد بود.

ماده ۴۰ - ارجاع پرونده به شعب دادگاه و ایجاد هماهنگی بین آنها و نظارت بر حسن جریان امور بعهده حاکم شرع شعبه اول خواهد بود.

ماده ۴۱ - در صورت اختلاف بین دادرسی و دادگاه از جهت صلاحیت رسیدگی، پرونده همراه دلایل طرفین جهت حل اختلاف نزد ریاست شعبه اول دادگاه ارجاع خواهد شد، نظر آن مرجع لازم الاتباع است.

ماده ۴۲ - احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به موازین شرع باشد، چنانچه شرع نسبت به جرمی مجازات خاصی را معین نکرده حکم دادگاه باید مستند به قوانین موضوعه باشد.

تبصره - در موارد استثنائی و مواردی که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده حاکم می تواند مستدلاً براساس نظر خود اقدام به

صدور حکم نماید.

ماده ۴۳ - دادگاه مجرمین را که صلاحیت پوشیدن لباس روحانیت ندارند به خلع لباس محکوم می‌نماید.

ماده ۴۴ - احکام دادگاههای ویژه قطعی است مگر در موارد ذیل:

۱ - قاضی پرونده قطع به اشتباه خود پیدا کند.

۲ - دادستان منصوب آنرا خلاف قوانین و احکام بداند.

۳ - ثابت شود قاضی پرونده صلاحیت رسیدگی را نداشته است.

تبصره ۱ - در بند اول ماده فوق خود قاضی حکم را نقض و پرونده را جهت ارجاع به شعبه دیگر نزد ریاست شعبه اول دادگاه ارسال می‌دارد.

تبصره ۲ - چنانچه دادستان مجری حکم، رأی صادره را خلاف موازین تشخیص دهد، مکلف است بدو اعتراض خود را به قاضی صادرکننده حکم تذکر دهد. در صورت عدم قبول، اجراء حکم را متوقف و پرونده را همراه نظریه مستدل خود نزد دادستان منصوب ارسال می‌نماید، در صورت تأیید اعتراض توسط دادستان منصوب حکم نقض و پرونده جهت ارجاع به قاضی دیگر به شعبه اول دادگاه ویژه ارسال می‌شود. در صورت تأیید نظر اول و ادامه اختلاف رأی حاکم شرع شعبه اول متبع است.

ماده ۴۵ - کلیه هزینه‌های دادستانی ویژه روحانیت بعنوان یک سازمان مستقل دارای ردیف بودجه خاص پیش‌بینی و اختصاص داده می‌شود.

ماده ۴۶ - قوه قضائیه کادر قضائی دادستانی ویژه را تأمین خواهد

نمود.

ماده ۴۷ - نقل و انتقال قضات داسرا و دادگاه ویژه که در

دادگستری نیز شاغل می‌باشند با هماهنگی دادستان منصوب و رئیس شعبه اول دادگاه برحسب سمت صورت می‌گیرد.

بمقتضی

با موافق و ابرار اسرار و در انظار
ویرای مدینه معرفت می گوید. خداوند
جنابان امری است در باره سید علی
۶۹/۵/۱۴

بسمه تعالی

با موافق مرقوم برای دادسراها و دادگاههای ویژه
روحانیت موافقت می شود. خداوند جنابعالی را
مؤید و مستد بدرد.

سید علی خامنه ای
۶۹/۵/۱۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی